



The Model of Spiritual Health in the Holy Qur'an with a Semantic Approach

Mas'ud Azarbajejani¹

Received: 03/09/2022

Accepted: 24/01/2023



Abstract

The main topic of this article is spiritual health, which has been carried out with the semantic method. The method of semantics can be examined in four stages of lexical semantics, semantic fields, textual studies and meta-textual studies, but the focus of this article is on the third and fourth aspects. In the aspect of textual studies, the focus is on the text of the Qur'an, of course, narratives are also used. The findings of this study suggest that spiritual health has two meanings including healthy spirituality and health of the fourth aspect of human being in communication with God and sacred affairs. The accepted definition of spirituality is going beyond the volition and existence of materiality, egoism and situation in the dimensions of insight, action and then having tendency towards God as the focus, origin, and destination of spirituality which provides the context for deeper and more inward lived experience. Spiritual health, in the term of psychological texts, has the following characteristics including connection with God (supreme holy power), having purpose and meaning in life, a dynamic and positive fundamental

1. Professor of the psychology department at Research Institute of Howzeh and University. Qom, Iran.
mazarbajejani110@yahoo.com.

* Azarbajejani, A. (1401 AP). The Model of Spiritual Health in the Holy Qur'an with a Semantic Approach. *Journal of Islam and the Studies of Spirituality*, 1(1). pp. 9-36.
DOI: 10.22081/JSR.2023.65553.1036

state of being (well-being) and enjoyment, a holistic and coordinating approach to existence, and finally various cognitive, emotional and behavioral dimensions. Based on the analysis of about a hundred related Qur'anic words and the model of spiritual health in the Qur'an, four concepts of purification, pure life, piety and peace (a healthy heart) are considered as the main components of spiritual health. In the final model, the process path of spiritual health has been illustrated in these four words as well as the network relationships between them in different diagrams.

Keywords

Spiritual health, The Holy Qur'an, method of semantics, purification, pure life, piety and peace.



الگوی سلامت معنوی در قرآن کریم با رویکرد معناشناسی

مسعود آذربایجانی^۱

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۱/۰۴

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۶/۱۲



چکیده

موضوع محوری این جستار سلامت معنوی است که با روش معناشناسی انجام شده است. روش معناشناسی در چهار مرحله معناشناسی واژگانی، میدان‌های معناشناسی، مطالعات متنی و مطالعات فرامتنی قابل بررسی است، ولی تمرکز این نوشتار، بر دو بعد سوم و چهارم است. در بخش مطالعات متنی تأکید اصلی بر متن قرآن است، البته از روایات هم استفاده می‌شود. یافته‌های این پژوهش عبارتند از: سلامت معنوی به دو معنای معنویت سالم و سلامت بُعد چهارم انسان در ارتباطات با خداوند و امور قدسی است. تعریف مورد قبول معنویت عبارت است از: فراروی ارادی و وجودی از مادیت، انانیت و موقعیت در ابعاد بینشی، کنشی و گرایشی به سمت و سوی خداوند به عنوان کانون، مبدأ و مقصد معنویت که زمینه تجربه زیسته باطنی و عمیق‌تر را فراهم می‌کند. سلامت معنوی در اصطلاح متون روان‌شناسی دارای ویژگی‌های ارتباط با خداوند (قدرت برتر قدسی)، هدف‌داری و معناداری در زندگی، حالت بنیادین پویا و مثبتی از بودن (به‌باشی) و برخورداری، رویکرد کل‌نگرانه و هماهنگ‌کننده به هستی است و سرانجام در ابعاد گوناگون شناختی، عاطفی و رفتاری نمودار می‌شود. الگوی سلامت معنوی در قرآن بر اساس بررسی و تحلیل حدود صد واژه قرآنی مرتبط، در نهایت چهار مفهوم تزکیه، حیات طیبه، تقوی و سلام (قلب سلیم) به عنوان مؤلفه‌های اصلی سلامت معنوی به دست آمد و در الگوی نهایی، مسیر فرایندی سلامت معنوی در این واژه‌های چهارگانه و نیز روابط شبکه‌ای میان آنها در نمودارهای متفاوت ترسیم شده است.

کلیدواژه‌ها

سلامت معنوی، قرآن کریم، روش معناشناسی، تزکیه، حیات طیبه، تقوی و سلام.

azarbayejani110@yahoo.com

۱. استاد گروه روان‌شناسی پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، قم، ایران.

* آذربایجانی، مسعود. (۱۴۰۱). الگوی سلامت معنوی در قرآن کریم با رویکرد معناشناسی. دوفصلنامه علمی - تخصصی

اسلام و مطالعات معنویت، ۱(۱)، صص ۹-۳۶.
DOI: 10.22081/JSR.2023.65553.1036

مقدمه

برای تعریف و معناشناسی سلامت معنوی، رویکرد نخست این است که ترکیب سلامت معنوی از موارد اضافه مقلوب است و به معنای معنویت سالم خواهد بود؛ بنابراین برای فهم تعریف و ماهیت سلامت معنوی، باید معنویت را دنبال کنیم و با توجه به تعاریف آن، معنویت سالم و قابل قبول را بر اساس منبع، اعتبار و پیامدهای آن بیابیم. رویکرد دوم این است که سلامت معنوی به عنوان یکی از ابعاد سلامت انسان در نظر گرفته شود، در این وجه نیز برای رسیدن به فهم ماهیت سلامت معنوی می توان از تحلیل مفهوم سلامت به طور کلی و تطبیق بر سلامت معنوی به عنوان یک بخش جزئی و نیز بر اساس تناظر میان سلامت جسمی، روانی و اجتماعی با سلامت معنوی فهم دقیق تری از آن داشته باشیم. در این وجه دوم نیز، باید رابطه میان سلامت و معنویت را بحث کنیم و بازهم نیازمند تعریف معنویت به عنوان واژه دوم این کلمه ترکیبی هستیم.

در این جستار نخست معنویت، تعریف و سپس ابعاد معنایی سلامت معنوی بیان می شود. در ادامه با برشمردن مراحل معناشناسی، بر مرحله سوم و چهارم معناشناسی تمرکز شده و در نهایت الگوی سلامت معنوی در قرآن و حدیث استخراج می گردد.

۱. تعریف معنویت

اگر تعریف های واژه معنویت (Spirituality) را در فرهنگ های لغت انگلیسی مطالعه کنیم، خواهیم دید که گویا معنایی که امروزه از این واژه در غرب درک می شود، در فرهنگ نامه های رایج این زبان وجود ندارد؛ برای مثال فرهنگ امریکن هریتج ذیل این واژه می نویسد: معنویت، روحانی بودن یا کشیش بودن است و آنچه به کلیسا یا کشیش تعلق دارد را معنوی می نامند (heritage dictionary, 1992). فرهنگ مارین و بیستر می نویسد: معنویت حساس بودن به ارزش های دینی است (Marriam, 2001). همان گونه که می بینیم در این تعاریف، مفهوم معنویت نوپدید، یعنی نوعی جستجوی شخصی و فارغ از هنجارهای دینی برای یافتن معنا لحاظ نشده است.

بر اساس پژوهش‌های پیشین (آذربایجانی، ۱۳۹۶) تعریف معنویت از دیدگاه ما عبارت است از: «فراروی ارادی و وجودی از مادیت، انانیت و موقعیت در ابعاد بینشی، کنشی و گرایش‌ی به سمت و سوی خداوند به عنوان کانون، مبدأ و مقصد معنویت است که زمینه تجربه زیسته باطنی و عمیق‌تر را فراهم می‌کند.

۲. تعریف سلامت معنوی

تعاریف متعددی در منابع از سلامت معنوی ارائه شده، که برخی از آنها را در جدول ذیل مرور می‌کنیم:

جدول (۱) بخشی از تعاریف موجود از سلامت معنوی

شماره	محقق / منبع	تعریف
۱	هاکز و همکاران	حسی از ارتباط داشتن با دیگران، داشتن معنا و هدف در زندگی و داشتن اعتقاد و ارتباط با یک قدرت متعالی (Hawks, Hull, Thalman, Richins, 1995)
۲	میلر	کیفیت ذاتی و اصلی انسانی که در برگیرنده باور به چیزی بزرگتر از خود بوده و ایمان به اینکه به طور قطع زندگی را تأیید و تصدیق می‌کند (Miller, 1995).
۳	هیات امنای سازمان بهداشت جهانی	سلامت معنوی یکی از ابعاد سلامت جامع انسان است که حالتی دینامیکی (پویا) از تأمین رفاه کامل جسمی، روانی، اجتماعی و معنوی است؛ و نه تنها نبود بیماری و نقص عضو (Word Health Organization, 1997).
۴	ریلی و همکاران	فلسفه محوری زندگی و حاصل برآورده شدن نیاز به هدف، معنا، عشق و بخشش (Reily BB, Perna R, Tate DG, 1998).
۵	فیشر	یکی از ابعاد بنیادین سلامت و بهزیستی و نیروی هماهنگ‌کننده و تکمیل‌کننده سایر ابعاد سلامت (Fisher, 1998).
۶	لوین	عوامل کلی محافظتی یا سلامت‌زا (نه درمانی) (Levin, 2003)

شماره	محقق / منبع	تعریف
۷	گومز و فیشر	حالتی از بودن، احساسات مثبت، شناخت ارتباط فرد با خود، دیگران و یک نیروی ماورایی (Gomez R, Fisher, 2003).
۸	نلسون	سلامت با رویکرد کل نگرانه چیزی بیش از فقدان ناخوشی و مشتمل بر معناداری زندگی، مشارکت فعال و خلاقیت است (Nelson, 2009).
۹	سالاری فر و همکاران	سلامت معنوی شامل سه بعد شناخت، عواطف و کنش است که برخوردار از شناخت یا معرفت خاص به خدا، احساس آرامش، نشاط، امید و محبت ورزی به خداوند و اولیای الهی و روش عملی آشکار کردن عقاید و باورها را در برمی گیرد (سالاری فر، محمدرضا و همکاران، ۱۳۸۹).
۱۰	عباسی و همکاران	سلامت معنوی، حقیقتی است که در شناختها، عواطف، کنشها و ثمرات متجلی می شود، برخوردار از شناخت یا معرفت ویژه نسبت به خدا، انسان و خلقت و رابطه متقابل آنها در بردارنده پذیرش خدا، انبیای الهی و قوانین الهی، احساسات مثبت و منفی، اخلاق، حس حمایت و ارتباط متقابل با قدرت برتر قدسی که خود و دیگران را دربر می گیرد (عباسی و همکاران، ۱۳۹۱).

در جمع بندی تعاریف بالا می توان بر چند عنصر اساسی برای تعریف سلامت معنوی تأکید کرد: ۱. سلامت معنوی در ارتباط با خداوند (قدرت برتر قدسی) است؛ ۲. سلامت معنوی، هدف داری و معناداری در زندگی را پشتیبانی می کند؛ ۳. سلامت معنوی، حالت بنیادین پویا و مثبتی از بودن (به باشی)، برخوردار از سلامت است؛ ۴. سلامت معنوی، رویکردی کل نگرانه و هماهنگ کننده به هستی دارد؛ و ۵. سلامت معنوی در ابعاد گوناگون شناختی، عاطفی و رفتاری نمودار می شود.

با این وجود، در سطح جهانی مشکلات بسیاری مانند ابهام در تعریف معنویت و سلامت معنوی، کثرت تعاریف در مورد معنویت و سلامت معنوی، نبود توافق کامل بر مفاهیم اساسی مربوط به موضوع، مشخص نشدن قلمرو و مرزهای سلامت معنوی با معنویت، دین، سلامت، عرفان و ...، عدم دستیابی به ابزارهای مناسب برای سنجش سلامت معنوی، استفاده از نمونه‌های کوچک و غیر قابل تعمیم برای شاخص‌های سلامت معنوی؛ همگی تعریف شفاف و روشن از سلامت معنوی را با دشواری مواجه می‌سازد (ر.ک: امیدواری، ۱۳۸۷ و دمازی، ۱۳۸۸). با وجود بخش‌های قابل قبول در این تعاریف، اعتبارسنجی آنها به‌طور عمده با مشکل مواجه است؛ زیرا به جهت عرفی‌سازی جدی (بر اساس فهم عامه) و رویکرد سکولار (دنیوی، شخصی و نامتکی به ادیان نهادینه) در بیشتر موارد تعریف معنویت و به تبع آن سلامت معنوی، علاوه بر آنکه مبانی متفاوتی دارد؛ جهت‌گیری، کارکردها و پیامدهای آنها نیز پذیرفتنی نیست یا می‌تواند پذیرفتنی نباشد. به همین جهت با اعتراف به وجود هسته‌های مشترک قابل توجه در تعریف سلامت معنوی، ماهیت‌شناسی آن را بر اساس رویکرد معناشناسی در فضای اسلامی و مبتنی بر قرآن و سنت که با فرهنگ بومی ما سنخیت بیشتری دارد، پی می‌گیریم. پیش از آن دایره معنایی - استعاری سلامت معنوی را در آیات و روایات به صورت کلی و بر اساس برخی از کاربردها ملاحظه می‌کنیم و سپس به معناشناسی دقیق می‌پردازیم.

۳. دایره معنایی - استعاری سلامت معنوی در آیات و روایات

۱. علم ادیان متولی سلامت معنوی است، متناظر با علم ابدان که مسئول سلامت جسمانی است «عن النبی ﷺ: العلم علمان علم الأبدان و علم الأبدان (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۱، ص ۲۲۰).

۲. پیامبر اکرم ﷺ طیب روحانی است که با داروهای معنوی خود، بر دردها و رنج‌های مردم مرهم می‌گذارد و درمان می‌کند: «امام علی علیه السلام: طیب دوار بطنه قداحکم مراهمه و احمی مواسمه یضع حیث الحاجه الیه من قلوب عمی و آذان

صم و السنه بکم متتبع بدوائه مواضع الغفله و مواطن الحيره» (نهج البلاغه، خ ۱۰۸).
 ۳. از خطا و گناه (آسیب‌های معنوی) به بیماری و از استغفار، توبه و انس با خداوند
 به «دواء» (دارو) تعبیر شده: امام علی علیه السلام: «دوائک فیک و ما تشعر و دائک منک
 و ما تنظر»؛ پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله: الا اخبرکم بدائکم من دوائکم؟ دائکم الذنوب و
 دوائکم الاستغفار (نوری، ۱۴۰۸ق، ج ۱۱، ص ۳۳۳؛ صدوق، ۱۳۹۶، ص ۱۶۴).

۴. تعالیم دینی و معنوی ادیان و آموزه‌های اخلاقی آنها به مثابه گنجینه‌ها و منابع
 سلامت معنوی است. از جمله شاهد بر این مدعا، کتاب‌ها و منابعی است که با
 عنوان طب روحانی تدوین شده است، مانند *الطب الروحانی زکریای رازی*.

بنابر این با توجه به استفاده از واژه علم الادیان در مقابل علم الابدان (طب یا دانش
 سلامت جسمانی)، استفاده از طیب (روحانی) برای پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و کسانی که کار
 مشابه با پیامبر صلی الله علیه و آله داشته باشند و استفاده از گناه، به عنوان بیماری و استغفار و توبه، به
 عنوان داروی شفابخش، مجموعه اینها به ما اجازه می‌دهد که آموزه‌های دینی و معنوی
 را هم به مثابه آموزش‌های سلامت معنوی و دینی بشماریم و از متون و منابع دینی،
 الگوی سلامت معنوی را استخراج کنیم.

۴. تعریف معناشناسی

معناشناسی^۱ یا علم الدلاله، روش بررسی و تبیین مفاهیم، واژه‌ها و کشف معانی جدید
 است. معناشناسی سازوکارهای کشف معنا را با مطالعه علمی به عهده دارد، معنایی که
 در پس لایه‌های متن ذخیره شده است. هرچه متن پیچیده‌تر، ادبی‌تر، چند لایه‌تر و
 درصدد انتقال معانی بیشتر و با حجم زبانی کمتر باشد، کار معناشناسی نیز به همان میزان
 سخت‌تر و پرهیجان‌تر و به تبع آن، نیاز به قواعد منظم و منسجم بیشتر می‌شود (لاینز،
 ۱۳۸۳؛ شعیری، ۱۳۸۱ و پاکتچی، ۱۳۸۷). از آنجا که در نوشته فعلی هدف نهایی تبیین سلامت
 معنوی در منابع اسلامی است، روش معناشناسی می‌تواند گام‌های چهارگانه زیر را طی

1. Semantics

کند: معناشناسی واژگانی، میدان‌های معناشناسی، مطالعات متنی و مطالعات فرامتنی (ایزوتسو، ۱۳۶۸، احمد مختار، ۱۹۹۸ و هادی، ۱۳۹۱).

در مرحله معناشناسی واژگانی «سلامت معنوی» با توجه به بررسی‌های لغوی انجام شده و ترکیب معنای سلامت و معنویت از جهت لغوی عبارت است از: رهایی از آفات و عیوب باطنی، روحانی و غیرمادی. اما دقت بیشتر موجب می‌شود که تنها معنای سلبی کفایت نکند، بلکه حتی بر اساس تعریف سازمان بهداشت جهانی، سلامت زیستی و جسمانی نیز امروزه تنها نبود بیماری نیست (سازمان بهداشت جهانی، ۱۹۹۷م)، به‌ویژه در سلامت روانی و معنوی توجه به معنای ایجابی سلامت پررنگ‌تر می‌شود؛ از این رو فرهنگستان زبان و ادب فارسی واژه سلامت معنوی را چنین تعریف می‌کند: یکپارچگی اصولی و اخلاقی و هدفمندبودن در زندگی و احساس تعهد به یک واقعیت برتر (فرهنگستان فارسی).

در مرحله دوم یعنی میدان‌های معناشناسی، میدان معنایی سلامت معنوی را می‌توان در چند نکته زیر جمع‌بندی نمود:

۱. معنی و معنوی استعمال بیشتری دارد، اما واژه‌های روحانی، روحی، باطنی نیز به صورت تک‌واژه و ترکیبی با حیات به کار رفته است؛

۲. پالودگی و پاکیزگی از آلودگی‌های اخلاقی یکی از عناصر مهم میدان معنایی سلامت معنوی است؛

۳. سیر و سفر و وارستگی از دل‌بستگی‌های مادی و دنیوی؛

۴. گرایش به معنای باطنی و فراروی از ظاهر و صورت و لفظ؛

۵. برخورداری از التذاذات معنوی و روحانی حاصل از ارتباط با قرآن و حق تعالی به‌ویژه در ایام خاص مانند شب قدر.

لکن تمرکز این نوشتار، بر گام‌های سوم و چهارم است.

۵. مطالعات متنی و فرامتنی برای تحقق فرایند معناشناسی

با توجه به اینکه قرآن و حدیث (مطالعات متنی) به عنوان منابع مرجع در معناشناسی سلامت معنوی برای ما و فرهنگ ماست و سخنان شارحان، عالمان و عارفان (مطالعات

فرامتنی) در فرهنگ اسلامی نیز به تبیین بهتر ماهیت سلامت معنوی کمک می‌کند، گام سوم و چهارم در رویکرد معناشناختی باید طی شود. در گام سوم با تمرکز بر متن قرآن و احادیث معصومان علیهم‌السلام به دنبال معنای هسته‌ای و کانونی سلامت معنوی هستیم. در این بخش ابتدا براساس مطالعه همه آیات قرآن از ابتدا تا انتها و بخش‌های مرتبط از روایات، واژه‌های زیر مهم‌ترین کلمات و مفاهیم قرآنی و حدیثی مرتبط با سلامت معنوی (به عنوان زمینه، علت، مؤلفه، نشانه، هم‌نشین، جانشین، آثار و پیامدهای سلامت معنوی) به دست آمده‌اند: ایمان، آخرت، اخلاص، استغفار، اسماء، اصلاح، اولی‌الالباب، امان، امام، برّ، بشارت، بصیرت، بکاء، تسیح (سبحان‌الله گفتن و تنزیه حضرت حق)، تحمید (الحمد لله گفتن)، تهلیل (لا اله الا الله گفتن)، توبه، جنت (بهشت)، جهاد، محبت، احسان، اطمینان (نفس مطمئنه)، حج، حکمت، حلال، حلم، حیات، خشوع، خشیت، خُلق، خلود، خیر، دعا، دین، ذکر، رجاء (امیدواری)، رحمت، رشد، رضا، روح القدس، مراقبه، روح، تزکیه، زهد، سجود، سعادت، سکون و سکینه، سلام، اسماء، سهر (شب‌بیداری)، شریعت، شکر، شیعه، صبر، صحت، صدق، صراط، صلح، صلاة (نماز)، صمت (سکوت)، صوم (روزه‌داری)، طهارت، طیب، عبادت، معرفت، گوشه‌نشینی، عصمت، عفت، عفو، عقل، علم، عمل، معاد، غیب، فضیلت، تفقه، فلاح، قرآن، مقربون، قلب، قناعت، کرامت، کمال، لقاء، امتحان، ملائک (فرشتگان)، ملکوت، موت، نبوت، مناجات، نصیحت، نفس، نور، نیت، هجرت، هدایت، همت، ورع، تقوی، مواسات، موعظه، توفیق، توکل، ولایت، یقین (حدود ۱۰۰ واژه).

در مجموع، با بررسی مجدد همه اینها، کلیدواژه‌های اصلی و هسته‌ای زیر به دست آمد^۱، در ضمن این بخش، در گام چهارم که مطالعات فرامتنی است، از سخنان مفسران،

۱. بخشی از دلایل این گزینش و انتخاب نهایی، در ضمن توضیح و تبیین معنای واژه‌های هسته‌ای، آیات و روایات مربوطه و بیشترین ارتباط آن با سلامت معنوی آمده است. اما بخش سلبی آن و دلایل اینکه دیگر واژه‌ها به عنوان هسته سلامت معنوی نیستند، بر اساس تبیین دقیق معنای واژه‌های بالا است که در این مجال نمی‌گنجد. البته در ضمن مباحث عوامل و زمینه‌های سلامت معنوی، نشانگان و مؤلفه‌ها، شاخص‌ها و... از این مفاهیم نیز بهره‌مند خواهیم شد که در مقالات بعدی به آنها می‌پردازیم.

محققان و اندیشمندان مسلمان نیز استفاده کرده‌ایم. این واژه‌ها عبارتند از: تزکیه، حیات طیبه، تقوی و سلام (قلب سلیم).

۱. تزکیه: محقق مصطفوی (مصطفوی، ۱۳۶۸، ج ۴، ص ۳۵۴) در تبیین معنای تزکیه می‌گوید: «ریشه این ماده عبارت است از زائل کردن و دور کردن هر چیزی که شایسته و سزاوار (به حق) نباشد و بیرون کردن آن از متن سالم. مانند پالایش رذائل اخلاقی از دل انسان و پاکسازی کارهای بد و ناپسند از برنامه زندگی انسان و بیرون کردن حقوق و اموال مردم از مال خود و دور کردن هر امر باطل و فاسدی از متن و چارچوب درست. تفاوت میان تطهیر، تزکیه و تهذیب عبارت است از: رویکرد؛ در تطهیر به جهت‌گیری خاص به دست آمدن پاکی و طهارت در مقابل پلیدی است. در تهذیب به جهت‌گیری به دست آمدن شایستگی و خلوص است، اما در تزکیه رویکرد اصلی به زائل کردن و پاکسازی آن چیزی است که باید زائل شود و بیرون رود. اما مفاهیمی مانند افزایش، زیادت، برکت و لیاقت از لوازم ریشه اصلی است و جزو ماهیت آن نیست».

برخی از آیات قرآن در زمینه تزکیه عبارتند از:

«قَدْ أَفْلَحَ مَنْ رَكَاهَا وَقَدْ حَآبَ مَنْ دَسَّاهَا» (شمس، ۹ و ۱۰).

«زکیها» از ماده «تزکیه» در اصل - چنان که راغب در مفردات آورده - به معنی نمو و رشد دادن است، و زکات نیز در اصل به معنی نمو و رشد است، و بنابراین در روایتی از علی ع می‌خوانیم: «المال تنقصه النفقة والعلم يزكو على الانفاق. مال با انفاق نقصان می‌یابد ولی علم با انفاق نمو می‌کند» (نهج البلاغه، حکمت ۱۴۷). سپس این واژه به معنی تطهیر و پاک کردن نیز آمده، شاید به این مناسبت که پاکسازی از آلودگی‌ها سبب رشد و نمو است، و در آیه مورد بحث هر دو معنی امکان دارد. آری، رستگاری از آن کسی است که نفس خویش را تربیت کند و رشد و نمو دهد، و از آلودگی به خلق و خوی شیطانی و گناه و عصیان و کفر پاک سازد. و در حقیقت مسئله اصلی زندگی انسان نیز همین «تزکیه» است، که اگر باشد سعادت‌مند است و الا بدبخت و بینوا. به این ترتیب پیروزمندان و شکست‌خوردگان در صحنه زندگی دنیا مشخص می‌شوند و معیار ارزیابی این دو گروه چیزی جز «تزکیه نفس و نمو و رشد روح تقوی و اطاعت خداوند» یا

«آلودگی به انواع معاصی و گناهان» نیست. و از اینجا روشن می‌شود اینکه در حدیثی از امام باقر و امام صادق علیهما السلام در تفسیر آیه نقل شده است که فرمودند: «قد افلح من اطاع و خاب من عصی؛ رستگار شد کسی که اطاعت کرد و نومید و محروم گشت کسی که عصیان نمود» (طبرسی، ۱۴۱۵ق، ج ۱۰، ص ۴۹۸). در حقیقت بیان نتیجه و حاصل مقصود است. «قَدْ أَفْلَحَ مَنْ تَزَكَّى» (اعلی، ۱۴). «... إِنَّمَا تُنذِرُ الَّذِينَ يَخْشَوْنَ رَبَّهُمْ بِالْغَيْبِ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَمَنْ تَزَكَّى فَإِنَّمَا يَتَزَكَّى لِنَفْسِهِ وَإِلَى اللَّهِ الْمَصِيرُ» (فاطر، ۱۸).

در این آیات مشاهده می‌کنیم که شرط فلاح و خلاصی انسان از آفات و آسیب‌های دنیایی، شیطانی و نفسانی «تزکیه» است یعنی باید موانع و رذائل و پلیدی‌ها برکنار روند و پاکی و پالودگی از آنها به وجود آید تا به رستگاری برسد. البته این تزکیه بدون ارتباط با حق تعالی و بدون مدد گرفتن از او ممکن نشود. کسانی که پیمان‌شکنی می‌کنند و تعهدات فطری خود را زیر پا می‌گذارند، خداوند آنان را حتی در جهان دیگر نیز تزکیه نمی‌کند (نک: نور، ۲۱؛ نساء، ۴۹؛ و آل عمران، ۷۷).

یکی از رسالت‌های اصلی پیامبران الهی تزکیه مردم است. تقدم تلاوت آیات قرآن بر تزکیه، در همه آیات زیر نشان‌دهنده آن است که آیات قرآن و پیام‌های الهی زمینه تزکیه را برای مردم فراهم می‌کند و مؤخرشدن فراگیری کتاب و حکمت و آموزه‌های آنها بر تزکیه، نیز دلالت دارد که تزکیه، زمینه پذیرش فرامین الهی و معنوی را فراهم می‌کند. مانند بیماری که پس از بهبودی نسبی، ذائقه‌اش برای خوردن و آشامیدن آماده می‌شود و از غذاها و نوشیدنی‌های گوارا، لذت می‌برد؛ پس می‌توان گفت تزکیه سلامت معنوی مردم را تأمین می‌کند (نک: بقره، ۱۵۱؛ آل عمران، ۱۶۴ و جمعه، ۲).

استاد مطهری در این باره، با تعبیر آزادی معنوی تبیین قابل توجهی دارد: «... حال بینیم آزادی معنوی یعنی چه؟ انسان یک موجود مرکب و دارای قوا و غرائز گوناگون (شهوت، غضب، حرص و طمع، جاه‌طلبی و افزون‌طلبی) است. در مقابل عقل، فطرت و وجدان اخلاقی دارد. انسان از نظر معنا، باطن و روح خودش ممکن است یک آدم آزاد باشد و ممکن است یک آدم برده و بنده باشد. ... ممکن است انسانی باشد که همان طور که از نظر اجتماعی آزادمرد است، زیر بار ذلت نمی‌رود، زیر بار بردگی نمی‌رود و

آزادی خودش را در اجتماع حفظ می‌کند، از نظر اخلاق و معنویت نیز آزادی خود را حفظ کرده‌باشد، یعنی وجدان و عقل خودش را آزاد نگه داشته باشد. این آزادی همان است که در زبان دین «تزکیه نفس» و «تقوی» گفته می‌شود» (مطهری، ۱۳۹۰، ص ۱۷).

۲. حیات طیبه: واژه طیب چیزی است که برای انسان مطلوبیت دارد و در آن هیچ‌گونه پلیدی ظاهری و باطنی نیست و در مقابل خبیث قرار دارد که در آن پلیدی ظاهری یا باطنی باشد و خودش ناپسند است. این معنا در موضوعات گوناگون متفاوت می‌شود و طیب بودن در هر مورد به مقتضای آن تناسب پیدا می‌کند. مانند غذای طیب، همسر طیب، فرزندان طیب، کلام طیب، حیات طیب و ... طیب در امور خارجی (عینی) مانند غذاهای حلال طیب و مانند درخت استوار طیب: «يَا أَيُّهَا النَّاسُ كُلُوا مِمَّا فِي الْأَرْضِ حَلَالًا طَيِّبًا» (بقره، ۱۶۸)، «أَلَمْ تَرَ كَيْفَ ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا كَلِمَةً طَيِّبَةً كَشَجَرَةٍ طَيِّبَةٍ أَصْلُهَا ثَابِتٌ وَفَرْعُهَا فِي السَّمَاءِ» (ابراهم، ۲۴)؛ سخنان طیب و خوب و مناسب: «وَهْدُوا إِلَى الطَّيِّبِ مِنَ الْقَوْلِ وَهْدُوا إِلَى صِرَاطِ الْحَمِيدِ» (حج، ۲۴)؛ انسان‌های نیکو و طیب: «وَالطَّيِّبَاتُ لِلطَّيِّبِينَ وَالطَّيِّبُونَ لِلطَّيِّبَاتِ أُولَئِكَ مُبَرَّءُونَ مِمَّا يَقُولُونَ لَهُمْ مَغْفِرَةٌ وَرِزْقٌ كَرِيمٌ» (نور، ۲۶)؛ درباره فرزندان طیب و نیکو «هُنَالِكَ دَعَا زَكَرِيَّا رَبَّهُ قَالَ رَبِّ هَبْ لِي مِنْ لَدُنْكَ ذُرِّيَّةً طَيِّبَةً إِنَّكَ سَمِيعُ الدُّعَاءِ» (آل عمران، ۳۸)؛ در جزاء و پاداش نیکو: «الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ طُوبَى لَهُمْ وَحُسْنُ مَآبٍ» (رعد، ۲۹). بنابر این طیب در رزق به معنای حلال و دارای لذت و پسندیده بودن است، در درخت به معنای سالم بودن، میوه‌دهی و ثمربخشی است و در سخن به معنای کامل بودن، راستی و مفید بودن است، در انسان به معنای بر صراط حق بودن و رعایت برنامه مطلوب الهی است و سرانجام در مورد حیات طیبه به معنای زندگی معتدل (میانه‌روی) و در مسیر صراط مستقیم الهی بودن است. پس طیب در هر موردی به جهت آن مناسبت می‌یابد. در مورد حیات طیبه: «مَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِّنْ ذَكَرٍ أَوْ أَنَّىٰ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِيَنَّهٗ حَيَاةً طَيِّبَةً وَلَنَجْزِيَنَّهُمْ أَجْرَهُمْ بِأَحْسَنِ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ» (نحل، ۹۷). حیات ضد مرگ است و به معنای استمرار زندگی انسان مطابق آن گونه که شایستگی دارد، است و از آنجا که انسان دارای دو جنبه بدنی و روحی است، پس باید هر دو را ملاحظه کند و با هم نیازهای آن دو را تأمین کند. حرکت بدن و نیروهای بدنی

در مسیر اعتدال بدون انحراف و نیز سیر و سلوک روحانی و عقلی انسان در مسیر کمال و لقای پروردگارش است. این به معنای پالودگی از پلیدی در ظاهر و باطن است و اینکه نزد عقل و در مسیر حق مطلوب و شایسته باشد، این همانا حیات طیه است» (مصطفوی، ۱۳۶۸، ج ۷، صص ۱۸۰-۱۸۴).

واژه «طیب» در قرآن پر کاربرد است (حدود ۵۰ مرتبه با مشتقات گوناگون)، ولی حیات طیه با همین عنوان تنها یک بار در قرآن به کار رفته است. اما می‌توان گفت آیات دیگر که یکی از مشتقات طیب را به کار برده و در موضوعات گوناگون استفاده شده، در بیشتر آنها به نحوی با مقتضیات حیات طیه سرو کار دارد مانند: سخنان طیب، غذای طیب، همسر طیب و حتی شجره طیه نیز تمثیلی برای تربیت و رشد نیکوی انسان معنوی است که می‌تواند با رشد تصاعدی خود برکات وجودیش توسعه می‌یابد: «أَلَمْ تَرَ كَيْفَ ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا كَلِمَةً طَيِّبَةً كَشَجَرَةٍ طَيِّبَةٍ أَضَلُّهَا ثَابِتٌ وَفَرْعُهَا فِي السَّمَاءِ تُؤْتِي أُكْلَهَا كُلَّ حِينٍ بِإِذْنِ رَبِّهَا وَيَضْرِبُ اللَّهُ الْأَمْثَالَ لِلنَّاسِ لَعَلَّهُمْ يَتَذَكَّرُونَ» (ابراهیم، ۲۴ و ۲۵). در یک آیه دیگر نیز، اگر چه واژه طیب به کار نرفته اما در باره حیات معنوی انسان سخن می‌گوید، که با توجه به قرائن می‌توان بر حیات طیه تطبیق کرد: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اسْتَجِيبُوا لِلَّهِ وَلِلرَّسُولِ إِذَا دَعَاكُمْ لِمَا يُحْيِيكُمْ وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ يَحُولُ بَيْنَ الْمَرْءِ وَقَلْبِهِ وَأَنَّهُ إِلَيْهِ تُحْشَرُونَ» (انفال، ۲۴).

علامه طباطبایی (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۹، صص ۴۳-۴۷) در اینجا بیان قابل توجهی دارد؛ سخنان وی چند مطلب را در تفسیر عقلی و نقلی آیه مورد بحث دارد: ۱. این دنیای مشترک با حیوانات که تنها به عیش و نوش بگذرد، همان دنیای فانی و بی‌ارزش است که حاصلش جز لُهو و لعب نیست؛ ۲. در پس و پشت این دنیای فانی، عالم بزرگ و ارزشمندی است که مشحون از حیات است و زندگی حقیقی در آن سراسر است؛ ۳. پیامبران الهی و شرایع آسمانی آنان، ما را به این حیات حقیقی و جاودانی فرامی‌خوانند؛ ۴. فطرت پاک انسان نیز این معارف و مطالب را درک می‌کند و انسان بر اساس دستمایه فطری و اراده و آگاهی خود می‌تواند این زندگی الهی را ترجیح دهد؛ ۵. نمود و تجلی آن حیات حقیقی آخرتی، در این دنیا همان زندگی معنوی «حیات طیه»

(سلامت معنوی) است. در واقع ما هیچ دسترسی مستقیم به آخرت نداریم، بلکه با ایمان و کوشش و عمل صالح در این دنیا، همین دنیا را به صورتی دیگر متحول می‌سازیم که حیات طیبه و تولد دوباره می‌شود و از بطن و باطن این حیات طیبه، حیات جاودانی حقیقی اخروی به وجود می‌آید. امام سجاده علیه السلام نیز در دعای ابو حمزه (قمی، ۱۳۹۱، ص ۳۲۲) حیات طیبه را در همین دنیا و دارای پایدارترین خوشی‌ها، کرامت فراگیر و کامل‌ترین زندگی توصیف می‌کند.

بنابراین حیات طیبه به عنوان کلیدواژه دوم، معنای فراگیرتر و جامع‌تری از سلامت معنوی را دربر دارد، زندگی پاک زمینه‌ساز و شرط لازم برای نیل به سلامت معنوی است. البته به دلیل معطوف بودن به حیات باطنی و معنوی، می‌توان گفت با سلامت معنوی ملازمت دارد و می‌تواند یکی از کلیدواژه‌های اصلی آن به شمار آید. این زندگی پاک، حیات معنوی جدید و تولد دوباره‌ای به انسان عطا می‌کند، که در باطن آن سلامت معنوی حاصل می‌شود و در آخرت نیز به صورت حیات جاودانی مطلوب ظهور می‌یابد.

۳. تقوی: «ریشه آن از ماده «وقی» به معنای محافظت هر چیزی از مخالفت و سرکشی در خارج و در هنگام عمل است، همان طور که عفت به معنای محافظت نفس از امیال و شهوات نفسانی است. تقوی با توجه به موارد گوناگون، خصوصیاتش متفاوت می‌شود ولی معنای جامع و مشترک در همه موارد نگهداری از محرمات شرعی و عقلی است و توجه به حضرت حق و به پاکیزگی و پالودگی عمل و اینکه در مسیر طبیعی پسندیده و متعارف باشد. مقابل آن «فجور» به معنای شکستن و خروج از حالت اعتدال و جریان طبیعی پسندیده و متعارف و نیز ارتکاب امری که موجب تبهکاری و سرکشی باشد» (مصطفوی، ۱۳۶۸، ج ۹، صص ۲۰۲-۲۰۳). برخی از آیات آن عبارتند از: «وَالشَّمْسِ وَضُحَاهَا... فَأَلْهَمَهَا فُجُورَهَا وَتَقْوَاهَا» (شمس، ۸)؛ «أَمْ نَجْعَلُ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ كَالْمُفْسِدِينَ فِي الْأَرْضِ أَمْ نَجْعَلُ الْمُتَّقِينَ كَالْفُجَّارِ» (ص، ۲۸)؛ اتقاء نیز در دسته‌ای از آیات قرآن به معنی برگزیدن تقوی و عمل کردن به مقتضای آن است: «يَا بَنِي آدَمَ إِمَّا يَأْتِيَنَّكُمْ رُسُلٌ مِّنكُمْ يَقُصُّونَ عَلَيْكُمْ آيَاتِي فَمَنِ اتَّقَى وَأَصْلَحَ فَلَا خَوْفَ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ»

اعراف، ۳۵)؛ «لَيْسَ عَلَى الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ جُنَاحٌ فِيمَا طَعِمُوا إِذَا مَا اتَّقَوْا وَآمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ ثُمَّ اتَّقَوْا وَآمَنُوا ثُمَّ اتَّقَوْا وَأَحْسَنُوا وَاللَّهُ يَحِبُّ الْمُحْسِنِينَ» (مائده، ۹۳) در این آیه شریفه سه مرحله برای تقوی ذکر شده: ۱. «اتقوا و آمنوا و عملوا الصالحات»: یعنی محافظت نفس از جهت اعمال و اخلاق که مرحله اول سلوک است؛ ۲. «ثم اتقوا و آمنوا»: تقوی در این مرتبه به معنای مجاهدت برای رفع انانیت (خودمحوری) و نیل به مقام فناء در مقابل عظمت حضرت حق که مرتبه دوم سلوک است؛ ۳. «ثم اتقوا و احسنوا»: محافظت نفس در این مرحله برای آمادگی خدمت و عمل به وظایف الهی خود در جامعه است، که با تعبیر احسان به معنی خدمت به مردم و ارشاد در جامعه است و این مرحله سوم سلوک است. ... بنابراین این روشن می‌شود که تقوی برای مؤمن از ابتدای ایمان تا مرتبه کمال آن، همراهی و ملازمت دارد. البته در هر مرتبه به اقتضای آن مرتبه متفاوت می‌شود؛ زیرا محافظت نفس یا از موجبات آتش و دوزخ است، و یا از عوامل مخالفت و خشم خداوند یا از دوری و محجوب‌بودن از خداوند عزوجل است. همان‌طور که تقوی و خویشنداری از شرور و آفات مادی برای انسان لازم است، همچنان پرهیز از اقسام ضرر، تنگناها و از آسیب‌های روحانی و معنوی (برای سلامت معنوی) لازم است. مراد از اقسام تقوی و خویشنداری، براساس قرائن موجود در سخن یا مقام و احوال مشخص می‌گردد، همان‌گونه که در مورد مؤمن یا امور روحانی و معنوی آن از قرائن پی می‌بریم که کدام‌یک مراد است (مصطفوی، ۱۳۶۸، ج ۹، صص ۲۰۴-۲۰۵؛ طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۶، ص ۱۲۶؛ گنابادی، ۱۴۰۰، ج ۱، ص ۵۰؛ قونوی، ۱۳۸۱، ص ۲۴۹): «مَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجًا وَيَرْزُقْهُ مِنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُ ... وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مِنْ أَمْرِهِ يُسْرًا» (طلاق، ۲-۴). بنابراین تقوی نخستین مرحله در مقامات «سیر الی الله» است و با تحقق آن موانع مسیر برطرف می‌شود و زمینه‌های لازم برای عمل صالح در هر مرتبه که باشد فراهم می‌گردد: «وَمَا تَفْعَلُوا مِنْ خَيْرٍ يَعْلَمُهُ اللَّهُ وَتَزَوَّدُوا فَإِنَّ خَيْرَ الزَّادِ التَّقْوَى وَاتَّقُونِ يَا أُولِي الْأَلْبَابِ» (بقره، ۱۹۷)؛ از این رو مهم‌ترین دعوت پیامبران الهی حضرات نوح، هود، صالح، لوط و شعیب عليهم السلام و نخستین راهنمایی و ارشاد آنان «تقوی» است و شعار مشترک آنان کاملاً مشهود است (نک: شعراء، آیات ۱۰۶-۱۷۹).

این خویشنداری و نیروی محافظ، زمینه سلامت معنوی را فراهم می‌کند. پس با نگاه دقیق، جنبه پیش‌گیرانه و مقدماتی برای سلامت معنوی دارد. اما به دو دلیل می‌توان تقوی را هم از کلیدواژه‌های اصلی سلامت معنوی به شمار آورد: نخست اینکه همان‌طور که در مباحث سلامت جسمانی و روانی مطرح شده، پیشگیری اولیه، بخشی از سلامت به شمار می‌رود. دوم، تقوی دارای مراتب متعدد و فراوانی است که از پیشگیری آغاز می‌شود؛ اما مراتب عالی آن دقیقاً با حیات طیبه و قلب سلیم نزدیک می‌شود:

﴿فَاتَّقُوا اللَّهَ مَا اسْتَطَعْتُمْ وَاسْمَعُوا وَأَطِيعُوا وَأَنْفِقُوا خَيْرًا لِّأَنْفُسِكُمْ وَمَنْ يُوقْ شُحَّ نَفْسِهِ فَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ﴾ (تغابن، ۱۶)؛

«یا ایها الذین آمنوا اتقوا الله حق تقاته ولا تموتن الا وانتم مسلمون» (آل عمران، ۱۰۲)؛

«یا ایها الناس اننا خلقناکم من ذکرٍ وانثی وجعلناکم شعوباً وقبائل لتعارفوا ان اکرمکم عند الله اتقاکم ان الله علیم خبیر» (حجرات، ۱۳).

پس تقوی به معنای دارایی و برخورداری از نیروی سلامت معنوی است که در مراتب پایین آن تنها جنبه خویشنداری و پیش‌گیرانه دارد و در مراتب بالای آن به احوال روحانی و معنوی انسان در ارتباط به وجود قدسی خداوند اشاره دارد. این معنا در توصیف روایات از تقوی به‌ویژه در سخنان امیرالمؤمنین علیه السلام در نهج البلاغه (خطبه، ۱۸۴) موج می‌زند؛ در این خطبه بیش از ۱۵۰ مورد از ویژگی‌های متقین بیان شده است و همان‌طور که ملاحظه می‌شود دلالت بر احوال معنوی آنان دارد؛ مانند عبادت‌های شبانه و شوق به بهشت و حضرت حق، و...؛ سلامت و اعتدال نفسانی آنان مانند گفتارشان صواب، پوشاکشان میانه‌روی، همگان از آزارشان در امان و... که مجموعه‌ای از نشانگان سلامت معنوی را در بر دارد؛ بنابراین تقوی نیز یکی از کلیدواژه‌های اصلی سلامت معنوی در قرآن و حدیث است. احادیث بسیار در زمینه تقوی نیز این نتیجه‌گیری را تأیید می‌کند (نهج البلاغه، خطبه ۱۵۷ و ۱۹۰). تعبیرها و توصیف‌هایی که از تقوی می‌شود از اجزای سلامت معنوی و عناصر ماهوی آن است: رئیس فضایل اخلاقی، سلامت از

آسیب‌ها، سرمایه دنیای دیگر، توشه سفر، بالاترین مرتبه رضای حق، پناهگاه، مهار، قلعه محکم و استوار، دورکننده آسیب‌ها، خطرها و گناهان، رساننده به راحتی، فراخی و احساس عزت.

۴. سلام: به معنای سلامت، صلح و آرامش آمده است، اما ریشه‌یابی آن با دقت و تامل بیشتر: «ریشه‌اصلی این واژه، در تقابل با دشمنی است، و عبارت است از موافقت کامل در ظاهر و باطن، به گونه‌ای که هیچ اختلافی در بین نباشد. از لوازم این معنا انقیاد، صلح و رضایت است. از آنجا که ریشه این واژه معنای لازم دارد (نه متعدی)، مفهوم آن وفاق و رفع اختلاف در خود آن شیء (یا شخص) است چه آنکه فی نفسه در نظر گرفته شود یا نسبت به دیگری ملاحظه گردد. هنگامی که واژه سلم فی نفسه (بدون توجه به دیگری) ملاحظه شود، با اعتدال، نظم و محفوظبودن از کاستی، عیب، آسیب و بیماری است، این به معنای سلامت و صحت در خود شیء و اجزای آن است به سبب نبود اختلاف میان اجزاء و اعضای آن و تحقق وفاق کامل و نظم و اعتدال در آن. پس صحت و سلامت از مصادیق ریشه این واژه به همین معناست» (مصطفوی، ۱۳۶۸، ج ۵، ص ۲۲۹).

در اقرب آمده: سَلِمَ مِنَ الْعُيُوبِ وَالْآفَاتِ سَلَامًا وَ سَلَامَةً یعنی از بلاها و عیبها نجات یافت و کنار شد. مثل «إِذْ جَاءَ رَبَّهُ بِقَلْبٍ سَلِيمٍ» (صافات، ۸۴). که در سلامت باطن است قلب سلیم آنست که از شک و حسد و کفر و غیره سالم و کنار باشد. و مثل «مُسَلَّمَةٌ لَا شَيْءَ فِيهَا...» (بقره، ۷۱). از عیوب سلامت است و خالی در آن نیست که مراد از آن سلامت ظاهری است.

آیات قرآن در ارتباط با سلام چند دسته‌اند:

۱) سلام به عنوان یکی از اسمای الهی به معنای ذات عاری از هر گونه عیب و نقص و ستم و عافیت بخش به دیگران (طبرسی، ۱۴۱۵، ج ۹، ص ۴۰۰؛ طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۹، ص ۲۲۲ و طبرسی، ۱۳۶۷، ج ۴، ص ۲۷۳): «هُوَ اللَّهُ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْمَلِكُ الْقُدُّوسُ السَّلَامُ الْمُؤْمِنُ الْمُهَيْمِنُ الْعَزِيزُ الْجَبَّارُ الْمُتَكَبِّرُ سُبْحَانَ اللَّهِ عَمَّا يُشْرِكُونَ» (حشر، ۲۳).

۲) سلام و سلم به معنای درود و تحیت و دعا برای دیگران و برخورد سالم توام با حلم و مدارا، بدون تعرض و آزار و اذیت و نیز به معنای تقدم صلح، مدارا و آرامش طلبی بر جنگ و خشونت و کشتار دیگران (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۵، صص ۱۶۵، ۱۶۶ و ۲۳۹؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۱۴، صص ۵۵۲-۵۵۳ و ج ۱۵، ص ۱۴۹؛ طیب، بی تا، ج ۸، ص ۶۵۳): «فَإِذَا دَخَلْتُمْ بُيُوتًا فَسَلِّمُوا عَلَىٰ أَنفُسِكُمْ تَحِيَّةً مِّنْ عِنْدِ اللَّهِ مُبَارَكَةً طَيِّبَةً كَذَلِكَ يَبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ الْآيَاتِ لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ» (نور، ۶۱)؛ «وَإِذَا جَاءَكَ الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِآيَاتِنَا فَقُلْ سَلَامٌ عَلَيْكُمْ كَتَبَ رَبُّكُمْ عَلَىٰ نَفْسِهِ الرَّحْمَةَ أَنَّهُ مَن عَمِلَ مِنكُمْ سُوءًا بِجَهَالَةٍ ثُمَّ تَابَ مِن بَعْدِهِ وَأَصْلَحَ فَأَنَّهُ غَفُورٌ رَّحِيمٌ» (انعام، ۵۴)؛ «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا ادْخُلُوا فِي السَّلَامِ كَآفَّةً وَلَا تَتَّبِعُوا خُطُواتِ الشَّيْطَانِ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُّبِينٌ» (بقره، ۲۰۸)؛ «وَإِن جَنَحُوا لِلسَّلْمِ فَاجْنَحْ لَهَا وَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ» (انفال، ۶۱)؛ «وَعِبَادُ الرَّحْمَنِ الَّذِينَ يَمْشُونَ عَلَى الْأَرْضِ هَوْنًا وَإِذَا خَاطَبَهُمُ الْجَاهِلُونَ قَالُوا سَلَامًا» (فرقان، ۶۳)؛ «وَإِذَا سَمِعُوا اللَّغْوَ أَعْرَضُوا عَنْهُ وَقَالُوا لَنَا أَعْمَالُنَا وَلَكُمْ أَعْمَالُكُمْ سَلَامٌ عَلَيْكُمْ لَا نَبْتَغِي الْجَاهِلِينَ» (قصص، ۵۵).

۳) سلام به معنای تندرستی، امنیت، سکون، آرامش و دوری از کاستی‌ها، خطاها و آلودگی‌های اخلاقی که تحقق کامل آن در بهشت است، بهشت جایی است که هیچ آفتی از قبیل فقر، بیماری، بی‌قراری، ناامنی، آزار و اذیت، غم و اندوه، رقابت و تعارض، مرگ و نابودی وجود ندارد و این معنای دقیق دارالسلام است (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۷، ص ۳۴۵؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۵، ص ۴۳۸؛ فضل‌الله، ۱۴۱۹ق، ج ۹، ص ۳۲۵): «لَهُمْ دَارُ السَّلَامِ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَهُمْ وَلِيُّهُمْ بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ» (انعام، ۱۲۷)؛ «وَاللَّهُ يَدْعُو إِلَىٰ دَارِ السَّلَامِ وَيَهْدِي مَن يَشَاءُ إِلَىٰ صِرَاطٍ مُّسْتَقِيمٍ» (یونس، ۲۵)؛ «ادْخُلُوهَا بِسَلَامٍ آمِنِينَ وَنَزَعْنَا فِي سُدُورِهِمْ مِّنْ غَلٍّ إِخْوَانًا عَلَىٰ سُرُرٍ مُّتَقَابِلِينَ» (حجر، ۴۶ و ۴۷)؛ «ادْخُلُوهَا بِسَلَامٍ ذَلِكَ يَوْمُ الْخُلُودِ» (ق، ۳۴).

۴) سلام به معنای تحیت الهی بر بهشتیان و تضمین سلامت (به‌ویژه سلامت معنوی) انبیاء الهی و افراد برگزیده از سوی خداوند حکیم و عالم است. در واقع این سلام احتمالاً همان دارالسلام است که در این دنیا در باطن و سریره انسان‌های معنوی به وجود

می آید و خداوند نوید آن را به پیامبران الهی بشارت می دهد و برای بهشتیان نیز با قول پروردگار نمود و تحقق می یابد. شاید درك شب قدر نیز رمز عبور برای دریافت این سلام در سریره انسان های موفق به برخورداری از سلامت معنوی باشد (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۲۷، ص ۱۸۵؛ طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۲۰، ص ۳۳۲؛ فضل الله، ۱۴۱۹ق، ج ۲۴، ص ۳۵۳): «سَلَامٌ قَوْلًا مِنْ رَبِّ رَحِيمٍ» (یس، ۵۸)؛ «سَلَامٌ عَلٰی اِبْرَاهِيْمَ، سَلَامٌ عَلٰی مُوسٰى وَهَارُوْنَ، سَلَامٌ عَلٰى اِلٰى يٰسِيْنَ، وَ سَلَامٌ عَلٰى الْمُرْسَلِيْنَ» (صافات، ۱۰۹، ۱۲۰، ۱۳۰، ۱۸۱)؛ «وَسَلَامٌ عَلَيْهِ يَوْمَ وُلِدَ وَيَوْمَ يَمُوتُ وَيَوْمَ يُبْعَثُ حَيًّا، وَالسَّلَامُ عَلٰى يَوْمٍ وُلِدْتُ وَيَوْمٍ اَمُوتُ وَيَوْمٍ اُبْعَثُ حَيًّا» (درباره حضرت یحیی و عیسی علیهم السلام، مریم، ۱۵ و ۳۳)، «سَلَامٌ هِيَ حَتَّى مَطْلَعِ الْفَجْرِ» (قدر، ۵).

۵) سلام به معنای قلب سلیم و پاک که عاری از هرگونه شرک، شک، کفر، نفاق، پلیدی، نادرستی، زشتی و جهالت (پالودگی از پلیدی ها در مرتبه های اعتقادی، صفات اخلاقی و رفتار عملی) است و دارای روح توحید و فضائل اخلاقی و معنوی مانند صدق، اخلاص، یگانگی و درستکاری است تا جایی که چونان ابراهیم علیه السلام در قلب او هیچ جایی برای غیر خدا باقی نمی ماند و این بالاترین مرتبه سلامت معنوی برای انسان است: «يَوْمَ لَا يَنْفَعُ مَالٌ وَلَا بَنُونَ اِلَّا مَنْ اَتَى اللَّهَ بِقَلْبٍ سَلِيمٍ» (شعراء، ۸۸ و ۸۹)؛ «وَ اِنَّ مِنْ شَيْعَتِهِ لِاِبْرَاهِيْمَ اِذْ جَاءَ رَبَّهُ بِقَلْبٍ سَلِيمٍ» (صافات، ۸۳ و ۸۴). محقق مصطفوی (مصطفوی، ۱۳۶۸، ج ۵، ص ۲۳۲) در اینجا می فرماید: «اما "سلیم" بر وزن فعیل است و دلالت بر استواری صفت سلم در ذات شیء دارد و از نقص و عیب در ذاتش باید مبرا باشد. مراد از قلب سلیم، دلی است که از عیوب و کاستی ها پاک باشد و حقیقت آن سلم و سلامت و وفاق و صلح و مدارای در قلب است و این حقیقت فقط از راه پالودگی از عیوب حاصل می گردد. از این تعبیر قرآن ظاهراً به دست می آید که آنچه برای انسان در روز قیامت سودمند است و در نیل به کمال و سعادت مفید است، تنها آن سلامت حقیقی است که در دل انسان تحقق یابد و نه غیر آن. این واژه قلب سلیم را نمی توان به معنی سلامت و عافیت ظاهری (بدنی) دانست، زیرا سلامت قلب مادی و بدنی تأثیری در هنگامه پاداش و مجازات آخرت ندارد، افزون بر اینکه این سلامت

ظاهری مادی در جهان آخرت به صورت دیگری که با آن عالم مناسبت داشته باشد، تغییر می‌کند».

بنابراین با توجه به این چند دسته از آیات، قطعاً «سلام» یکی از کلیدواژه‌های اصلی مفهوم سلامت معنوی در قرآن است، چه آنکه مهم‌ترین مصداق آن خود حضرت حق با اسم «السلام» است که در بالاترین مدارج ذاتی سلامت معنوی است و سایر موجودات از او بهره می‌برند. دومین مصداق آن بهشت با عنوان «دارالسلام» است که آن هم نمونه جامع و کامل سلامت و به‌ویژه سلامت معنوی است. سومین مصداق آن، شب قدر با عنوان «سلام» است که آن هم معادل هزار ماه یعنی عمر متعارف یک انسان است که تحول معنوی و دارایی معنوی را نویدبخش است. در هر سه مصداق معنویت به معنای حقیقی آن، باطنی بودن خداوند «هُوَ الْأَوَّلُ وَالْآخِرُ وَالظَّاهِرُ وَالْبَاطِنُ وَهُوَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ» (حدید، ۳) است، بهشت نیز در باطن این دنیا یعنی آخرت قرار دارد «يَعْلَمُونَ ظَاهِرًا مِّنَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَهُمْ عَنِ الْآخِرَةِ هُمْ غَافِلُونَ» (روم، ۷) و شب قدر نیز نهان در ماه رمضان است و به سادگی قابل دریافت نیست «وَمَا أَذْرَاكَ مَا لَيْلَةُ الْقَدْرِ» (قدر، ۲) و نیز سلامت در آنها به معنای کامل و جامع آن مشهود است. بنابر این سلامت معنوی بر اساس کلید واژه «سلام» در ارتباط مستقیم و بی‌واسطه با حضرت حق و با توجه به غایت و مقصد بهشت شکل می‌گیرد و تحقق کامل آن در باطن انسان نیز با استفاده و استمداد از کلمه عبور شب قدر که خود قرآن به جهت نزولش در شب قدر که همان باطن و حقیقت شب قدر است، ممکن می‌گردد؛ یعنی شب قدر رمز عبور انسان به باطن و حقیقت قرآن نیز هست. چنین کسی با سلوک عملی، اخلاقی و معنوی به قلب سلیم می‌رسد و سلامت معنوی در وی استقرار می‌یابد. حال کسی که به این مرتبه از سلامت معنوی نائل شود، در درون خود به صلح، آرامش، وحدت، انسجام و امنیت می‌رسد و در بیرون نیز به دلیل پذیرش اسلام و مسلمان واقعی شدن، اذیت و آزارش به کسی نمی‌رسد و با مردم سر جنگ و دشمنی ندارد: «المسلم من سلم المسلمون من يده و لسانه» (الهندی، ۱۴۰۹ق، ص ۷۳۸). پس همه پنج دسته از آیات قرآن در اینجا معنا می‌یابد و محقق می‌شود.

برخی از روایات در خصوص قلب سلیم، نیز این جمع‌بندی را تأیید می‌کند: ابن عیینه گوید: از امام صادق علیه السلام سؤال کردم تفسیر آیه شریفه «إِلَّا مَنْ أَمَّنَّ اللَّهُ بِقَلْبِهِ سَلِيمٌ» چیست، فرمودند: ^۱ قلب سلیم، آن دلی است که در آن جز خدا کسی دیگر نباشد فرمود: هر دلی که در آن شک و یا شکی باشد آن دل ساقط می‌باشد، آنها در دنیا زاهد شدند تا دلشان برای آخرت آماده گردد و به آن دل بستگی پیدا کنند» (کلینی، ۱۴۱۳ق، ج ۲، ص ۱۶).

امام علی علیه السلام: «اذا احبَّ الله عبدا رزقه قلبا سليما و خلقا قويما»: هرگاه دوست دارد خدا بنده را روزی کند او را قلبی سلیم و خویی راست درست، مراد به «قلب سلیم» نفس سالم است؛ یعنی نفس او را چنین کند که سالم باشد و پیرو هوی و هوس و مایل بشرور و بدی‌ها نباشد (خوانساری، ۱۳۷۳، ج ۳، ص ۱۶۷).

نتیجه‌گیری

در اینجا می‌خواهیم چهار کلیدواژه اصلی سلامت معنوی یعنی: تزکیه، حیات طیبه، تقوی و سلام (و قلب سلیم) را با هم و در ارتباط با یکدیگر در متن معنایی قرآن و روایات بازبینی و باهم نگری کنیم: شاید بتوان گفت تزکیه، نخستین مفهوم برای سلامت معنوی است که موانع، آفات و آسیب‌های سلامت معنوی را رفع می‌کند یا پیشگیری می‌نماید. مفهوم دوم، حیات طیبه است که ناظر به پالودگی و پاکسازی محیط، اقتضائات و سبک زندگی مناسب و مطلوب و آماده‌سازی ظرفیت‌های لازم برای سلامت معنوی است. مفهوم سوم تقوی است که نیروی محافظت و نگهداری از دستاوردها و ظرفیت‌های سلامت معنوی را دلالت می‌کند. مفهوم چهارم، سلام و قلب سلیم است که کانون سلامت معنوی است و جامع‌ترین و غنی‌ترین مفهوم برای نیل به بالاترین مراتب سلامت معنوی است و در جدول زیر مشاهده می‌شود:

۱. القلب السليم الذي يلقي ربه و ليس فيه احد سواه، و كل قلب فيه شرك او شك فهو ساقط ...

جدول ۲) واژه‌های اصلی سلامت معنوی در قرآن

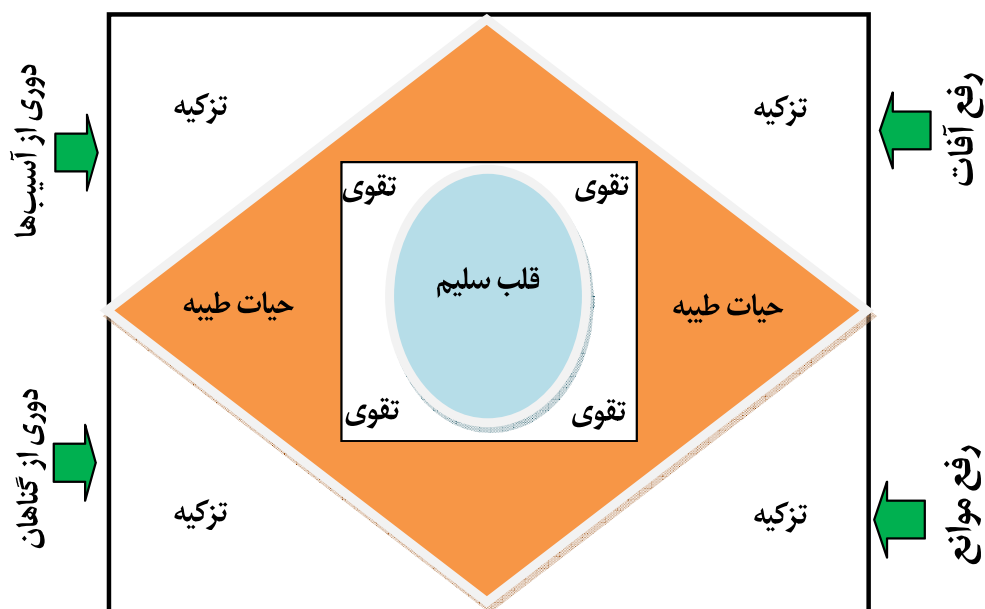
واژگان	معنا و دلالت	کارکردها و نمونه‌ها
تزکیه	زائل کردن موانع و بیرون کردن همه آفات و آسیب‌ها از متن سالم	پالایش رذائل اخلاقی، پاکسازی کارهای ناپسند از برنامه زندگی، دوری از گناهان و خطاهای معنوی، فراهم کردن زمینه پذیرش امور معنوی
حیات طیبه	زندگی معنوی و روحانی بدون انحراف در مسیر سلوک عقلی و حیات معنوی	تغذیه پاک و حلال، همسر پاک و پاکدامن، فرزندان نیکو، زندگی پاکیزه و مناسب، سخنان حکیمانه
تقوی	محافظت هر چیزی از مخالفت و سرکشی در هنگام عمل، نگهداری از محرّمات شرعی و عقلی، خویشتنداری و مراقبت از خود	نیروی محافظ و نگهدارنده در برابر آسیب‌ها و آفات معنوی، نخستین مرحله از مقامات سیر الی الله، احوال معنوی در ارتباط با حضرت حق مانند عبادت‌های شبانه، رکوع و سجده‌های طولانی با شوق و اشتیاق
سلام (قلب سلیم)	موافقت کامل در ظاهر و باطن به گونه‌ای که هیچ اختلافی در بین نباشد، داشتن سلامت و صلح و آرامش و وحدت درونی	از اسماء الهی، بهشت، تحیت و درود به دیگران (صلح و سازش و دوری از اختلاف، خشونت و جنگ)، سلامت و امنیت خود و دیگران، قلب سلیم عاری از هر گونه شرک، شک، کفر، نفاق، پلیدی و درنهایت دلی که در آن جز خدا نباشد

بنابر این ماهیت سلامت معنوی از دیدگاه منابع اسلامی عبارت است از: برخورداری از معنویت سالم بر اساس تزکیه، حیات طیبه و تقوی که بالاترین مرتبه آن نیل به قلب سلیم است. به عبارت روشن‌تر و با تفصیل بیشتر سلامت معنوی در منابع اسلامی (قرآن و حدیث) عبارت است از: برخورداری از نیروی فراروی از مادیت، انانیت و موقعیت در ابعاد بینشی، گرایشی و کنشی به سوی خداوند به عنوان کانون قدسی جهان هستی که دارای مراتب است و بر اساس تزکیه (رفع موانع مسیر)، حیات طیبه (فراهم کردن مقتضیات محیطی مناسب) و تقوی (نیروی محافظ و نگهدارنده ظرفیت‌ها) حاصل می‌شود و عالی‌ترین مرتبه آن نیل به قلب سلیم (دل عاری از غیر خدا) است.

در دو نمودار زیر نیز می‌توان ارتباط فرایندی و شبکه‌ای مفاهیم چهارگانه را با سلامت معنوی به خوبی مشاهده کرد:



نمودار ۱: الگوی سلامت معنوی در قرآن



نمودار ۲: ارتباط شبکه‌ای مفاهیم چهارگانه در سلامت معنوی

فهرست منابع

* قرآن کریم

* نهج البلاغه

۱. آذربایجانی، مسعود. (۱۳۹۶). تربیت و رشد معنوی در نوجوانی. تهران: مرکز الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت.
۲. احمدمختار، عمر. (۱۹۹۸). معنی شناسی (مترجم: حسین سیدی). دانشگاه فردوسی مشهد.
۳. امیدواری، سپیده. (۱۳۸۷). سلامت معنوی؛ مفاهیم و چالش‌ها. پژوهش‌های میان‌رشته‌ای قرآنی، ۱(۱)، صص ۱۷-۵۸.
۴. ایزوتسو، توشیهیکو. (۱۳۶۸). خدا و انسان در قرآن (مترجم: احمد آرام). تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
۵. الهندی، علی المتقی بن حسام الدین. (۱۴۰۹ق). کنز العمال. بیروت: مؤسسه الرساله.
۶. پاکتچی، احمد. (۱۳۸۷). آشنایی با مکاتب معناشناسی معاصر. نامه پژوهش فرهنگی، ۹(۳)، صص ۸۹-۱۱۹.
۷. خوانساری، آقاجمال. (۱۳۷۳). شرح غرر و درر آمدی (ج ۳). تهران: دانشگاه تهران.
۸. دماري، بهزاد. (۱۳۸۸). سلامت معنوی. تهران: انتشارات طب و جامعه.
۹. سالاری فر، محمدرضا؛ موسوی اصل، سیدمهدی؛ دولتخواه، محمد و شجاعی، محمدصادق. (۱۳۸۹). بهداشت روانی با نگرش به منابع اسلامی. قم و تهران: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه و سمت.
۱۰. شعیری، محمدرضا. (۱۳۸۱). مبانی معناشناسی نوین. تهران: سمت.
۱۱. صدرالدین قونوی، محمد بن اسحاق. (۱۳۸۱). اعجاز البیان فی تفسیر القرآن. قم: دفتر تبلیغات اسلامی.
۱۲. صدوق، محمد بن علی ابن بابویه. (۱۳۹۶). ثواب الاعمال و عقاب الاعمال. قم: ارمغان طویی.

۱۳. طباطبایی، سید محمدحسین. (۱۳۷۴). المیزان فی تفسیر القرآن (ج ۶، ۷، ۹، ۱۵، ۱۹ و ۲۰). قم: انتشارات جامعه مدرسین.
۱۴. طبرسی، ابوعلی فضل بن حسن امین الاسلام. (۱۳۶۷). تفسیر جوامع الجامع (مصحح: ابوالقاسم گرگی، ج ۴). تهران: دانشگاه تهران.
۱۵. طبرسی، ابوعلی فضل بن حسن امین الاسلام. (۱۴۱۵ق). مجمع البیان فی تفسیر القرآن (ج ۹ و ۱۰). بیروت: مؤسسه الاعلمی للمطبوعات.
۱۶. طیب، عبدالحسین. (بی تا). اطیب البیان فی تفسیر القرآن (ج ۸). قم: مؤسسه جهانی سبطين علیه السلام.
۱۷. عباسی، محمود، شمسی گوشکی، احسان؛ ابوالقاسمی، محمدجواد و عزیزی، فریدون. (۱۳۹۲). درآمدی بر سلامت معنوی. فرهنگستان علوم پزشکی و دانشگاه شهید بهشتی.
۱۸. فضل الله، سید محمدحسین. (۱۴۱۹ق). تفسیر من وحی القرآن (ج ۹ و ۲۴). بیروت: دارالملاک.
۱۹. قمی، حاج شیخ عباس. (۱۳۹۱). مفاتیح الجنان. قم: دفتر نشر معارف.
۲۰. کلینی، محمد بن یعقوب. (۱۴۱۳ق). اصول کافی (ج ۲). قم: دارالاضواء.
۲۱. گنابادی، حاج سلطان محمد. (۱۴۰۰). بیان السعاده فی مقام العباده (ج ۱). تهران: پیام نور.
۲۲. لاینز، جان. (۱۳۸۳). مقدمه‌ای بر معناشناسی زبان‌شناختی (مترجم: حسین واله). تهران: گام نو.
۲۳. مجلسی، محمدباقر. (۱۴۰۳ق). بحار الانوار (ج ۱). بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۲۴. مصطفوی، حسن. (۱۳۶۸). التحقیق فی کلمات القرآن (ج ۴، ۵، ۷ و ۹). تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
۲۵. مطهری، مرتضی. (۱۳۹۰). آزادی معنوی. تهران: انتشارات صدرا.
۲۶. مکارم شیرازی، ناصر. (۱۳۷۱). تفسیر نمونه (ج ۵، ۱۴، ۱۵ و ۲۷). تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۲۷. نوری، حسین بن محمدتقی. (۱۴۰۸ق). مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل (ج ۱۱). قم: مؤسسه آل‌البیت علیه السلام.

۲۸. هادی، اصغر. (۱۳۹۱). روشی نوین در معناشناسی مفاهیم و واژه‌های قرآنی. مجله پژوهش‌های قرآنی، ۱۸(۷۲)، صص ۸۶-۱۰۲.

29. Fisher J. (1998). *Spiritual health: its nature and place in the school curriculum*. PhD thesis, University of Melbourne

30. Gomez R, Fisher, JW. (2003). *Domains of spiritual well-being and development and validation of the Spiritual*. Well-Being Questionnaire.

31. Hawks SR, Hull ML, Thalman RL, Richins PM. (1995). Review of spiritual health: definition, role, and intervention strategies in health promotion. *American Journal of Health Promotion*, 9, p. 371.

32. Levin, J. S. (2003). Spiritual determinants of health and healing: An epidemiological perspective on salutogenic mechanisms. *Alternative Therapies*, 9, pp. 48-57.

33. Merriam - Webster's collegiate dictionary Subject English Language. (2001). Dictionaries Description Includes index. Publisher Merriam - Webster Contributor: Webster, Merriam; Gove, Philip Babcock.

34. Miller .M. A. (1995). Culture, spirituality, and women's health. *Journal of Obstet Gynecology Neonatal Nursing*, 24(3). pp. 257-263.

35. Nelson .J. M. (2009). *Psychology, Religion and Spirituality* ,USA: Springer.

36. *Personality and Individual Differences* 35: 1975-1991

37. Reily BB, Perna R, Tate DG. (1998). Type of spiritual well-being among person with chronic illness: Their relationship to various forms of quality of life. *Arch Phys Med Rehabil*, 79(3). pp. 258-264

38. *The American heritage dictionary of the english language*. (1992). Subject English Language – Dictionaries, Publisher: Houghton Mifflin

39. Word Health Organization. (1997). Review of the Constitution, EB 10 ,1/7.

References

- * The Holy Quran
- * Nahj al-Balagha
- 1. Abbasi, M., & Shamsigoshki, E., & Abolghasemi, M. J., & Azizi, F. (1392 AP). *An introduction to spiritual health*. Academy of Medical Sciences and Shahid Beheshti University. [In Persian]
- 2. Ahmad Mokhtar, O. (1998). *Semantics* (Seyedi, H, Trans.). Mashhad Ferdowsi University.
- 3. Al-Hindi, A. (1409 AH). *Kanz Al-Amal*. Beirut: Al-Rasalah Institute. [In Arabic]
- 4. Azarbajejani, M. (1396 AP). *Education and spiritual growth in adolescence*. Tehran: Center for Iranian Islamic Model of Progress. [In Persian]
- 5. Damari, B. (1388 AP). *Spiritual health*. Tehran: Medicine and Society Publications. [In Persian]
- 6. Fazlullah, S. M. H. (1419 AH). *My interpretation of the revelation of the Qur'an* (v. 9 & 24). Beirut: Dar al-Milak. [In Arabic]
- 7. Fisher J. (1998). *Spiritual health: its nature and place in the school curriculum*. PhD thesis, University of Melbourne
- 8. Gomez R, Fisher, JW. (2003). *Domains of spiritual well-being and development and validation of the Spiritual Well-Being Questionnaire*.
- 9. Gonabadi, H. S. M. (1400 AP). *Bayan al-Sa'adah fi Maqam al-Ibadah* (Vol. 1). Tehran: Payam Noor. [In Persian]
- 10. Hadi, A. (1391 AP). A new method in the semantics of Quranic concepts and words. *Qur'anic Research Journal*, 18(72), pp. 102-86. [In Persian]
- 11. Hawks SR, Hull ML, Thalman RL, Richins PM. (1995). Review of spiritual health: definition, role, and intervention strategies in health promotion. *American Journal of Health Promotion*, (9), p. 371.
- 12. Izutsu, T. (1368 AP). *God and Man in the Qur'an* (Aram, A, Trans.). Tehran: Islamic Culture Publishing Office. [In Persian]
- 13. Khansari, A. (1373 AP). *Sharh Ghorar va Dorar Amadi* (Vol. 3). Tehran: University of Tehran. [In Persian]

14. Koleyni, M. (1413 AH). *Usul Kafi* (Vol. 2). Qom: Dar al-Azwa. [In Arabic]
15. Levin, J. S. (2003). Spiritual determinants of health and healing: An epidemiological perspective on salutogenic mechanisms. *Alternative Therapies*, (9), pp. 48–57.
16. Lines, J. (1383 AP). *An introduction to linguistic semantics* (Valeh, H. Trans.). Tehran: Kam No. [In Persian]
17. Majlesi, M. B. (1403 AH). *Bihar al-Anwar* (Vol. 1). Beirut: Dar Ihya al-Toras al-Arabi. [In Arabic]
18. Makarem Shirazi, N. (1371 AP). *Tafsir Nemouneh* (v. 5, 14, 15 & 27). Tehran: Darul Kitab al-Islamiya. [In Persian]
19. *Merriam - Webster's collegiate dictionary Subject English Language*. (2001). Dictionaries Description Includes index. Publisher Merriam - Webster Contributor: Webster, Merriam; Gove, Philip Babcock.
20. Miller .M. A. (1995). Culture, spirituality, and women's health. *Journal of Obstet Gynecology Neonatal Nursing*, 24(3). pp. 257-263.
21. Mostafavi, H. (1368 AP). *Researching the words of the Qur'an* (Vol. 4, 5, 7 & 9). Tehran: Ministry of Culture and Islamic Guidance. [In Persian]
22. Motahari, M. (1390 AP). *Spiritual freedom*. Tehran: Sadra Publications.
23. Nelson .J. M. (2009). *Psychology, Religion and Spirituality* ,USA: Springer.
24. Nouri, H. (1408 AH). *Mostadrek Al-Wasa'il va Mustanbat Al-Masa'il* (Vol. 11). Qom: Alulbayt Institute. [In Arabic]
25. Omidvari, S. (1387 AP). mental health; Concepts and challenges. *Interdisciplinary Qur'anic Researches*, 1(1), pp. 17-58. [In Persian]
26. Pakatchi, A. (1387 AP). *An Introduction to contemporary schools of semantics*. *Journal of Cultural Research*, 9(3), pp. 119-89. [In Persian]
27. *Personality and Individual Differences* 35: 1975-1991
28. Qomi, Haj Sheikh A. (1392 AP). *Mafatih al-Jinan*. Qom: Education publishing office. [In Persian]
29. Reily BB, Perna R, Tate DG. (1998). Type of spiritual well-being among person with chronic illness: Their relationship to various forms of quality of life. *Arch Phys Med Rehabil*, 79(3). pp. 258-26

30. Sadouq, M. (1396 AP). *Thawab al-A'amal va Iqab al-A'amal*. Qom: Armaghan Touba. [In Persian]
31. Sadr al-Din Qonavi, M. (1381 AP). *Ijaz al-Bayan fi Tafsir al-Qur'an*. Qom: Islamic Propaganda Office. [In Persian]
32. Salarifar, M. R., & Mousavi Asl, S. M., & Dolatkah, M., & Shoja'ei, M. S. (1389 AP). *Mental health with an attitude to Islamic sources*. Qom and Tehran: Research Institute of Howzeh and University and Samt. [In Persian]
33. Sha'eiri, M. R. (1381 AP). *Basics of modern semantics*. Tehran: Samt. [In Persian]
34. Tabarsi, A. (1367 AP). *Tafsir Jamee al-Jamae* (Gurji, A, Ed., vol. 4). Tehran: University of Tehran. [In Persian]
35. Tabarsi, A. (1415 AH). *Majma al-Bayan fi Tafsir al-Qur'an* (Vol. 9 & 10). Beirut: Mu'asisah al-A'alami. [In Arabic]
36. Tabatabaei, S. M. H. (1374 AP). *Al-Mizan fi Tafsir al-Qur'an* (Vol. 6, 7, 9, 15, 19 and 20). Qom: Community of Teachers Publications. [In Persian]
37. Tayeb, A. (n.d.). *ATayib al-Bayan fi Tafsir al-Qur'an* (Vol. 8). Qom: Sebtain Global Institute.
38. *The American heritage dictionary of the english language*. (1992). Subject English Language – Dictionaries, Publisher: Houghton Mifflin
39. Word Health Organization. (1997). Review of the Constitution, EB 10 ,1/7.